



۲۰۲۲/۰۳/۱۸



عبدالباری جهانی

محمدولی خان دروازی

قبل از آغاز بحث نهایت کوتاه باید اذعان بدارم که مقصد نگاشتن مطلب در باره محمدولی خان دروازی مرحوم، به هیچ صورت رد نمودن مضمون محترم احسان لمر و یا بحث و مشاجره با لمر صاحب نبوده است. مطلب بنده، بحیث شاگرد تاریخ افغانستان، صرف اینست که وقتی درباره یک شخص تاریخی مضمونی مینویسیم کوشش کنیم که، بخاطر رهنمایی نمودن صحیح نسل آینده، بیطرفی خود را حفظ نماییم. چه، کسانی که تقریباً یک قرن قبل وفات شده اند بهیچوجه به تأیید و تردید ما محتاج نیستند. محمد ولی خان دروازی، چنانچه از ماء موریت های حساس او، در زمان اعلیحضرت امان الله خان آشکار است، شاید آدم لایقی بوده باشد. ولی شخصیت و رول مشخص او در زمان مذکور، قابل سوال است. محمدولی خان طرف اعتماد مطلق امان الله خان بود. چنانچه او را حین غیابت هشت ماهه خود در سفر اروپا به حیث وکیل السلطنة تعیین نموده بود. ولی محمدولی خان از این اعتماد استفاده سوء نمود و با ولینعمت خود خیانت ورزید.

وقتی در باره محمدولی خان دروازی به کتاب مرحوم فیض محمدکاتب، که واقعاً شخص بی غرضی بوده است، استناد میورزیم و او را صادق القول میپنداریم بایست به کتاب تذکر الانقلاب آن مرحوم، که حاصل یادداشت های روزمره شان میباشد مراجعه نمود و این کتاب را از نظر دور نگه نداریم. مرحوم کاتب در لابلای یادداشت های خود در باره، جنایات رژیم حبیب الله کلکانی و ضمناً در باره خیانت محمدولی خان، که با امان الله خان و ضمناً با همه ملت ورزیده بود، مینگارد:

«... و زنان و دختران و پسران بازرگانان و سرداران نامداران را از سپاهی تا افسر شب به اجبار و اکراه در اطاق های خود بردن زیاد پرداختند. و تا اوایل ماه رمضان یکصد و نود خانه از متمولین و وزراء و مامورین و غیره را ضبط و غارت کردند. و از جمله گرفتاران محمدولی خان و کیل امان خان را که از پیش با پسر سقاء و سید حسین عهد در میان داشت و به هر دو تن و همراهان و انبازان شان حمایه ها و معاونت ها کرده از دستگیر نمودن و به غل و زنجیر در آوردن شان ماءمورین دولت را بازداشته بود به خواهش و استدعای خودش تا بیست و هفتم ماه شعبان با دیگران توقیف فرموده و از دیگران جدا در حجره شیر احمدخان وزیر دربار جدیداً معززانه در تحت حفاظت آورد. و خانه و مایملکش را نیز ضبط و غارت نکرد. و در خلال این حال، علی احمدخان سابق والی کابل، در جلال آباد لوای امارت افراخت» کاتب، تذکر الانقلاب ص ۷۲

همین نویسنده مرحوم در جای دیگر مینویسد:

«در روز شنبه مذکور بر عموم اهالی کابل مکشوف و آشکار گشت که حبیب الله خان با هوا خواهان و اولیای امور و مشاورین خویش چون بزرگان اهالی شمالی و محمدولی خان و نایب سالار محمودسامی و نایب سالار محمدنعمیم خان و سردار محمدعثمان خان و میرزا محمودخان سابق وزیر مالیه و محمدمحفوظ خان پسر احمدجان خان و عظیم الله خان و نور احمدخان بردار احمدعلی خان رییس بلدیة حال با امان الله خان که هر شب مخفیانه در ارگ نزد حبیب الله خان رفته

با دوسه تن از خدمه و جاسوس های دولت انگلیس که دارای مقام و اعتماد و اعتبار و احترامند مشورت کرده و طبق تعلیم آنها آوازه انداخته، پروپاگند و اظهاراتی میکند....» همان کتاب ص ۲۰۳

مارشال شاه ولی خان، بتاريخ ۲۰ ماه میزان سال ۱۳۰۸ هجری شمسی کابل را فتح نمود و اعلیحضرت محمدنادرشاه، چهار ماه بعد از آن، بتاريخ ۱۶ دلو همان سال اعلان محاکمه نمودن محمدولی خان و محمودسامی را نمود. این محاکمه که گذارش آن تخت عنوان «شمع از معایب خیانت» به نشر سپرده شد، در تاریخ افغانستان اولین محاکمه علنی بود و شاید آخرین هم بوده باشد. در این محاکمه علاوه بر اشخاص موءظف، دو تن اط اعضای کابینه، ۲۳ تن از اعضای شورا، ۳۴ تن نماینده های ولایات، ۱۱ تن نماینده های کابل، که میرسیدقاسم خان و عبدالرحمن لودین در زمره این اشخاص اشتراک داشتند، صورت پذیرفت و ماده دهم مقررات محاکمه اعلام میدارد که «سامعین در داخل اطاق شده میتوانند ولی دور از صفوف انجمن در لوژها و کرسی ها می نشینند. سامعین قطعاً حق اظهار عقیده ندارند»

در زمره سوالاتی که از محمدولی خان میشود یکی هم ادعای خواجه میرعلم خان باشنده سرای خواجه میباشد که با تحریر مرحوم فیض محمدکاتب میخواند:

« در وقتیکه حبیب الله ارگ را متصرف شد خودم حاضر بودم که در شب ۱۲ شعبان سال ۱۳۴۷ بذریعه تلفون برای سید حسین گفت که وزیر ها و معتبرین را که بندی کرده اید در آنجمله محمدولی خان هم بنا بر درخواست خودش برده شده است. هوش کنید که برای او اذیت و تکلیفی نرسد و فردا او را بخاطر جمعی او را به پیش من روانه کنید. همان بود که فردای آن محمدولی خان بحضور حبیب الله حاضر شد. همراهانش عزت داری زیاد کرد. ظاهراً ثابت میشد که رابطه دوستی از سابق داشتند و اکثر اوقات پیش از گزفتن کابل هم بتواتر شنیدیم که بجای محمدولی خان حبیب الله رفت و آمد داشت و بچه سقاو دائماً به اشاره وکیل کار میکرد» ص ۶۰-۶۱ رویداد یا محاکمه.

نقل فرمانیکه بچه سقاو بیاس عهدیکه با محمدولی در شمالی کرده بود:

شماره فرمان ۴۱۷ (۲۳ شعبان ۱۳۴۷)

« صداقت همراه محمدولی خان وکیل سابقه امان الله را واضح خاطر باد! در اول عهدیکه شما در قرآن شریف با من کرده بودید؛ حضور والای ما هم همان عهد شمارا ثابت میداند!

چند روزی هم که نظر بند شده اید آن هم به خواهش خود شما بود. اکنون که برای رفتن خانه خود اجازه میخواهید بسیار خوب است. از حضور بشما اجازه داده شد که بخاطر جمعی بخانه خود رفته عایله خود را هم بهر جاییکه باشد بجای خود بخواهید از طرف حکومت بشما هیچ تکلیفی نخواهد بود.

تا یک اندازه برای محافظت جای و اموال شما پهره مقرر میشود که کسی بشما مزاحمت نکند. تمام مال و هستی شما بتصرف خود شما میباشد. فرمان هذا را موجب اطمینان خود دانسته آسوده باشید!

(محل امضای شیرجان و مهر بچه سقاو) ثبت صحیفه ۱۱ فرامین دوره سقوی»

(رسید فرمان فوق بدستخط محمدولی)

این فرمان بچه سقاو را خود محمدولی خان بامضای خودش در صحیفه ۶ کتاب رسیدات حربیه امضاء کرده است. فرمان فوق با این رسید که بدستخط محمدولی است تماماً در محضر دیوان عالی قراءت و بنتمام حضار رویت داده شد. محمدولی نسبت آن هرچه در استنطاق و تحقیقات جوابهای سابق ازین جهت راه گریز را مانده بود که شاید این سند تلف و بدست نیامده خواهد بود. اما پس ازینکه آنرا برای العین مشاهده کرد مطلقاً ملزم شده هیچ نگفت» همان سند ص ۶۲

(محمدولی خان هر قدر عسکر و نفر که بخواهد داده شود)

« عالیجاه عزت همراه محمدمحسن خان والی و عزتمند سید آقا قوماندان کوتوالی را واضح باد!

صداقت همراه محمولی خان وکیل سابقه امان الله را از حضور اجازه داده شد که بخانه خود برود لهذا شما را امر است که به مصلحت خود نامبرده هر قدر نفری که برای بهره و حفاظت مالی و جانی خود بخواهد برایش مقرر کرده به نفری خود امر حضور را بفهمانید که در تحت اثر خود وکیل بوده به مال و هستی خود او تکلیفی نرسانند و محض برای حفاظت خانه او باشند که از دیگر طرف هم مزاحمتی به آنها نشود تا به آسوده حالی با عایله خود باشند.» (محل امضای شیرجان و مهر بچه سقوی) (ثبت صحیفه ۱۱ فرامین دوره سقوی) همان سند ص ص ۶۳-۶۲

سوال هیات تحقیقیه:-

در صورتیکه خود شما تحریر کرده اید که خود من بخانه خود محبوس بودم و کسی را نزد من نمیگذاشتند باز خود تحریر کرده اید که حاجی شهنوازخان و قاضی عبدالجلیل خان و عبدالقارخان احمدزایی نزد من آمده بودند و بیان بچه سقاو را که نسبت به معاونت من می نمود بمن کردند، از شما پرسیده میشود که این چگونه محبوسی بود که هر شخصیکه خواهش تان بود نزد تان حاضر و ملاقی میشدند و کسی را که نمیخواستید داخل شده نمیتوانستند. معلوم شد که بهره که بدروازه و جای شما مقرر بود زیر اثر و اختیار خود شما بود.

جواب محمولی:

مقصد از رفت و آمد آزادانه است که از ترس کسی رفت و آمد نمیتوانست. فقط

جناب محمولی خان؛ اظهار فرمودید که کامن در تمام استیلائی حبیب الله ۳ دفعه اورا دیدم آیا بکدام کدام وقت ملاقات نموده باشید. باز ملاقات شما بخواهش خود شما بوده و یا شما را خواسته بودند بنویسید.

جواب محمولی خان: پنج دفعه اورا بعد از ایام حکومت او دیده ام. که چهار دفعه در ایام های رسمی که مرا طلب کرده بود و یک دفعه هم در برج شمالی که برای معطل نمودن حواله دوهزار پوند خواسته بود. همان سند ص ص ۷۷

سوال هیات تحقیقیه:

جناب محمولی خان! خود فرمودید که اعلیحضرت امان الله خان همراه حبیب الله قرآن میکرد من نگذاشتم که قرآن بکند. وقتا که حرف شما را قبول میکرد حینیکه صد میل تفنگ از برای حبیب الله با جباخانه و غیره خواهشات حبیب الله دادند شما مانع نشدید. با احترام.

جواب محمولی:

بلی من هیچ طرفدار قرآن کردن یک پادشاه با یک دزد نبودم. من بحضورشان عرض کردم که شما عهد قرآن را با یک دزد نکنید برای احمد علیخان اختیار بدهید که با او قرآن کند بر خود اورا بکابل بفرستد. و من مطلق طرفدار تفنگ دادن آنها هم نبودم زیرا همین صد تفنگ که اعلیحضرت بآن ها دادند باعث قوت آنها شده و قوه های کمی دیگری در کوه دامن بود همه را خلع اسلحه کرده بکابل آمدند. اگر این تفنگ ها از حضور اعلیحضرت باو داده نمیشد هیچ وقت این قدر قوه پیدا نمیکرد که بکابل حمله میکرد. فقط همان سند ص ص ۸۱-۸۰

اکثر مورخین، به شمول فیض محمدکاتب، سردار اقبال علی شاه، که کتاب خود را، در باره سقوط امان الله خان، به سال ۱۹۳۲ طبع نمود و معاصر وقایع این عصر بود و ژورنالیست راند وایلد و مورخ پولادا به این عقیده هستند که محمولی خان با حبیب الله کلکانی، از آغاز شورش تا به قدرت رسیدن و بعد از آن، تماس داشت و به او اسلحه و مهمات میرساند و خصوصاً تفنگ عصریکه حبیب الله کلکانی، بعد از به قدرت رسیدن، در ارگ به نمایش میگذاشت و از محمولی خان

اظهار امتنان مینمود، هم عقیده هستند. ارتباط داشتن با حبیب الله کلکانی و مسلح نمودن او برای اثبات خیانت محمولی خان دروازی کافیسست.



برای مطالب دیگر عبدالباری جهانی روی عکس کلیک کنید

